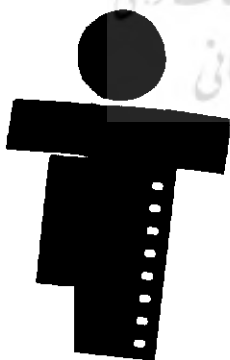


● طرح شتابزده يك موضوع مهم در

سینهای کودک و نوجوان

وحید نیکخواه آزاد



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

خانم ها و آقایان ،

لطفاً ردیف جلوی تالار نمایش فیلم را ترك
کنید!

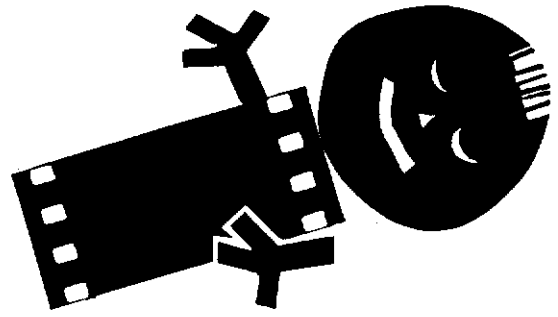
هنگامی که درباره سینمای كودك و نوجوان
می اندیشیم و سخن می گوئیم ، اغلب برای
یافتن تعریفی جامع و مانع ، دچار مشکل
می شویم ، اما همه ما تصویری روشن از این
نوع سینما داریم .

کم و بیش ، همه به این نکته توجه داریم که
سینمای كودك و نوجوان ، از سویی با «سینما» به
عنوان يك كل ، پیوند دارد و از سوی دیگر ،
پسوند «كودك و نوجوان» آن را از آن كل و از
گونه های دیگری که زیر مجموعه «سینما»
هستند ، جدای سازد .

در سینما ، به عنوان يك كل واحد ، گونه ها
(ژانرها)ی مختلفی حیات دارند و یاد در حال
تولدند . در کنار این گونه ها ، گونه های دیگری

هم هستند که روزگاری حیات داشته اند ؛ زمانی
زیسته اند و اکنون تنها در موزه تاریخ سینما حضور
دارند . سینمای كودك و نوجوان در کشور ما ، از
این حیث ، وجود و زیستی دوگانه دارد : از
سویی در پیشینه سینمایی ما ، حضور و حیات
دارد و از سویی دیگر ، بهتر است که آن حضور و
حیات ، به موزه تاریخ سینمای کشورمان ، سپرده
شود .

سینمای عام ایران (با مخاطبین بزرگسال) در
دوره قبل از انقلاب ، معادل منفی سنگینی را در
کارنامه خود دارد . به خصوص در مقایسه با
کارنامه مثبت سینمای عام پس از انقلاب
اسلامی ، این معادل منفی بیشتر به چشم
می آید . بر روی محور مختصات ، سینمای
ایران در دوره پیش و پس از پیروزی انقلاب
اسلامی ، با فاصله بسیار ، در دو سوی نقطه
صفر قرار دارند . این در حالی است که سینمای



مشخصی منفی نیست؛ یعنی از جهت مسائل اخلاقی و تربیتی و آموزشی، زبان بار ارزیابی نمی شود و در مقابل، خصیصه اصلی این سینما، دوری آن علایق و خواسته ها و نیازهای مخاطبینش می باشد.

فیلمهای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، استخوان بندی اصلی این دوزخ سینما در دوره پیش از پیروزی انقلاب اسلامی را تشکیل می دهد. بیشتر این فیلمها، با نگاهی ساخته شده است که حاصل کار را از حیثه مطلوب بودن آن برای کودکان و نوجوانان، خارج ساخته است. این فیلمها، عمدتاً فیلمهایی درباره کودکان و حتی بدتر از آن، به بهانه کودکان هستند و از ارتباط برقرار کردن با مخاطبین واقعی خود، عاجز هستند. بیشتر این فیلمها، بخصوص موفق ترینشان در محافل موثق آن روزگار و جشنواره های داخلی و خارجی، توسط کسانی ساخته شده اند که به عنوان فیلمسازان برجسته سینمای عام آن دوره شناخته می شده اند. و بیشتر به عنوان زنگ تفریحی برای سازندگان آنها به حساب می آمده اند.

در میان انبوهی از تولیدات آن دوره کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، فیلمهای زنده و نقاشی متحرک متعددی به چشم می خورد که از چنین ویژگی هایی برخوردارند: پیام دشوار و غیر قابل دریافت از جانب کودکان و نوجوانان، بیان ثقیل، ریتم کند و پایان ناخوشایند و یا لاف مبهوم و نامشخص.

مشکل اساسی این است که این نوع سینما، با توجه به تبلیغات جانبدارانه و توفیق در جشنواره های داخلی و خارجی و ارزیابی مثبت

پس از انقلاب، روندی آرمان گرا دارد و به سوی سینمای مطلوب گام برمی دارد. علی رغم این فاصله فراوان، با مقداری مسامحه، می توان سینمای ایران در این دودوره را بر روی یک محور به نمایش در آورد.

در قلمرو سینمای کودک و نوجوان، وضعیت به این شکل نیست. سینمای کودک و نوجوان قبل از انقلاب و سینمای مطلوب کودک و نوجوان را نمی توان بر روی یک محور واحد پیاده کرد و به ارزیابی آن نشست، میانگین این دو سینما، بر روی دو محور متقاطع جای می گیرند که به هیچ وجه در یک راستا نیستند.

بر خلاف سینمای عام با مخاطبین بزرگسال، سینمای کودک و نوجوان قبل از پیروزی انقلاب و سینمای مطلوب کودک و نوجوان، در دوراستای منفی و مثبت یک محور، قرار نمی گیرند. با نگاهی ارزشی، سینمای قبل از انقلاب برای مخاطبین کودک و نوجوان، بار منفی بارزی ندارد. بر آیند فیلمهای این نوع سینما در دوره قبل از انقلاب، به طور



منتقدان از آن، خود را به عنوان سینمای مطلوب کودک و نوجوان عرضه کرده است. در قلمرو ادبیات و هنر کودکان و نوجوانان میهن ما، یکی از آفتهای اساسی که فرآورده‌ها را از نزدیک شدن به نوع مطلوب بازمی‌دارد، دوری تولید کنندگان و منتقدان از مخاطبین این فرآورده‌هاست. تولید کنندگان و منتقدان، معمولاً بزرگسالانی بیگانه با کودکان و نوجوانان و نیازها و ظرافت وجودی آنها هستند و مخاطبین، کودکانی که به صورت فطری، نسبت به فرآورده‌ها واکنش نشان می‌دهند و ملاحظات بزرگسالانه، برایشان محلی از اعراب ندارد.

در یک مثال ملموس، پدیده فوق‌رامی توان در نمایش یک فیلم برای گروهی از کودکان و نوجوانان تجسم کرد. فرض کنید که انبوهی از کودکان و نوجوانان در ردیفهای عقبی سالن نمایش، و گروهی از تولید کنندگان و منتقدین بلند قد در ردیف جلو، به تماشای فیلمی نشسته‌اند. فیلم به نمایش درمی‌آید و تماشاچیان ردیف جلو، با سرو صدای زیاد به گفتگو درباره آن مشغول می‌شوند. این در حالی است که تماشاچیان قد کوتاه ردیفهای عقب نمیتوانند پرده را ببینند و اگر هم بایستند و فیلم را تماشا کنند، اظهار نظرهایشان در داد و فریادها و بحثهای تماشاچیان ردیف جلو، گم می‌شود.

نخستین گام برای نزدیک کردن سینمای کودکان و نوجوان به سینمای مطلوب، این است که تالارهای نمایش از وجود تماشاچیان ردیف اول تهی شود و امکان تماس مستقیم مخاطبین واقعی با سینمای خاص خودشان فراهم آید.



در نهایت دست و دلبازی، حداکثر کاری که می شود برای سازندگان فیلمها و منتقدین انجام داد، این است که جایگاهی اختصاصی در ردیف عقب تالار فراهم آورد تا آنان از آن جایگاه به تماشای فیلم و از آن مهمتر به نظاره بازتاب طبیعی تماشاچیان کودک و نوجوان بنشینند.

برای نزدیک کردن سینمای کودک و نوجوان کشورمان به سینمای مطلوب، باید بخش اعظم آنچه را که تحت این عنوان داریم، به فراموشی بسپاریم. باخوش بینی بسیار، باید کار را از جایی تنها کمی دورتر از نقطه صفر آغاز کنیم و با عزمی محکم و یک برنامه ریزی دقیق در دو بعد نظری و عملی تلاش وسیعی را آغاز کنیم.

در بعد نظری، باید با یاری صاحب نظران آگاه (و نه کسانی که تنها چنین عنوانی را به یدک می کشند) به سئوالات بسیاری پاسخ دهیم: سینمای کودک و نوجوان اصلاً چیست؟ چه کار برد و چه کار کردی دارد؟ چه ضوابط و معیارهایی را می توان برایش متصور شد؟ گروههای سنی مخاطبین در این سینما چه جایگاهی دارند؟ در این قلمرو، چه تجربیاتی در کشور ما و در کشورهای دیگر انجام شده است؟ گونه های مختلف این سینما چیست؟ تکنیکهای مختلف آن کدامند؟ تأثیر و تأثر آن از و بر ادبیات مکتوب و شفاهی چیست؟ و بدون اغراق - هزاران سؤال دیگر. در بعد عملی، باید فیلمهای گذشته و فیلمهای تازه تولید شده را به طور مستمر برای گروههای سنجیده ای از کودکان و نوجوانان نمایش داد و با بررسی دقیق، میزان مطلوبیت فیلمها در نزد آنها را به دست آورد و سپس نتایج حاصله از تلاش در دو

در قلمرو سینمای کودک و نوجوان، به علت داشتن مخاطبینی که عمدتاً فطری و سالم هستند و دچار اعوجاج نشده اند، می توانیم به راحتی بگوییم، آن فیلمی خوب است که مخاطبش با آن ارتباط برقرار کند و دوستش بدارد.



بعد نظری و عملی را در اختیار کسانی گذاشت که می خواهند برای کودکان فیلم بسازند.

سینمای کودک و نوجوان تنها گونه‌ای از سینماست که بر اساس مخاطب خاص خود از دیگر گونه‌ها جدا می شود. با این حال، این گونه از سینما، بیشترین میزان بی توجهی را به مخاطبین خود دارد. سینمای جنگی، حادثه‌ای، خانوادگی و دیگر گونه‌های سینما که از لحاظ مضمون تقسیم بندی می شوند، معمولاً مخاطب خود را به خوبی می شناسند و نحوه ارتباط با او، برایشان اهمیت دارد. سابقه سینمای کودک و نوجوان در کشورمان نشان می دهد که دیده شدن و یادیده نشدن فیلم توسط کودکان و نوجوانان، برای سازندگان و تولید کنندگان فیلمها اهمیت چندانی ندارد. این روند متأسفانه در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز کم و بیش ادامه داشته است. پیش از انقلاب، کودکان مجبور بودند سفری تلخ و کند را تحمل کنند و اکنون با غریبه‌ای به نام باشو روبرو هستند. دقیقاً به خاطر همین بی توجهی، اولین قدمی که باید در راه رسیدن به سینمای کودک و نوجوان مطلوب برداریم به وجود آوردن فضایی است که بتوان نقاب فریبی را که به چهره اکثر فیلمهای کودکان وجود داشته و دارد، برداریم. کودکان خودشان باید بگویند کدام فیلم خوب بود و کدام نه. حتی برای یافتن پاسخ این سؤال، نیازی به همه پرسی نیست. اگر گروهی از کودکان و نوجوانان در يك گروه سنی، فیلمی را با رغبت تا انتها تماشا کردند، پاسخ مثبت به این سؤال فراهم آمده است.

در تمام گونه‌های سینما، با احتمال وجود

مخاطبین ناسالم، رویه رو هستیم.

گرچه این که يك فیلم چقدر مورد پسند مخاطبین خود قرار گرفته است، معیار درستی برای ارزیابی نیست ولی، در قلمرو سینمای کودک و نوجوان، به علت داشتن مخاطبینی که عمدتاً فطری و سالم هستند و دچار اعوجاج نشده‌اند، می توانیم به راحتی بگویم، آن فیلمی خوب است که مخاطبش به راحتی با آن ارتباط برقرار کند و دوستش بدارد. این همان قسطاس مستقیمی است که فیملسازان ما کم فروشانه از آن غافل بوده‌اند.

۵